



پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ خیرالدين حفظه الله تعالى



موضوع:

عقاید؛ شناخت خلفاء خداوند؛ عترت و اهل بیت پیامبر خاتم

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش

نویسنده: رها

تاریخ: ۱۳۹۸/۹/۸

با تشکر بابت این پایگاه اسلامی جامع، لطفاً درباره‌ی کتاب علی توضیح دهید. آیا درست است که کتاب علی هم‌اکنون در دست امام مهدی علیه السلام است؟

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۸/۹/۱۵

در منابع روایی شیعه، روایات فراوانی حاکی از دسترسی امامان اهل بیت به کتابی با املای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و خط علی علیه السلام درباره‌ی حلال و حرام و کتابی درباره‌ی حوادث مهم آینده رسیده است^۱، ولی در منابع روایی اهل سنت روایات معتبری یافت می‌شود حاکی از آنکه گویا امامان اهل بیت وجود چنین کتاب‌هایی نزد خود را انکار کرده‌اند؛ مانند صحیحی ابو جحیفه که در آن آمده است: «سَأَلْتُ عَلِيًّا رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ، فَقُلْتُ: هَلْ عِنْدَكُمْ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ شَيْءٌ سِوَى الْقُرْآنِ؟ فَقَالَ: لَا، وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأَ النَّسَمَةَ، إِلَّا أَنْ يُؤْتِيَ اللَّهَ عَبْدًا فَهُمَا فِي الْقُرْآنِ وَمَا فِي الصَّحِيفَةِ، قُلْتُ: وَمَا فِي الصَّحِيفَةِ؟ قَالَ: الْعَقْلُ وَفِكَكَ الْأَسِيرُ وَأَنْ لَا يُقْتَلَ مُؤْمِنٌ بِكَافِرٍ»^۲. «از علی رضی الله تعالی عنه پرسیدم: آیا نزد شما (اهل بیت) جز قرآن چیزی (مکتوب) از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وجود دارد؟ فرمود: نه، قسم به کسی که دانه را شکافت و بشر را آفرید، مگر فهمی از قرآن که خداوند به بنده‌ای عطا می‌فرماید و چیزی که در صحیفه است، گفتم: در صحیفه چیست؟ فرمود: دیه و آزاد کردن اسیر و اینکه مؤمن در ازای کافر کشته نمی‌شود» و مانند صحیحی ابو طفیل که در آن آمده است: «سُئِلَ عَلِيٌّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: هَلْ خَصَّكُمْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بِشَيْءٍ؟»

۱. بنگرید به: بصائر الدرجات للصفار، ص ۱۶۲؛ الکافی للکلینی، ج ۱، ص ۲۳۸.

۲. مسند الشافعی، ص ۱۹۰؛ مسند أحمد، ج ۱، ص ۷۹؛ صحیح البخاری، ج ۱، ص ۳۶؛ سنن الترمذی، ج ۲، ص ۴۳۲؛ سنن النسائی، ج ۸، ص ۲۳.

فَقَالَ: مَا حَصَّنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بِشَيْءٍ لَمْ يَغْمَّ بِهِ النَّاسُ كَافَّةً، إِلَّا مَا كَانَ فِي قِرَابِ سَيْفِي هَذَا، قَالَ: فَأَخْرَجَ صَحِيفَةً مَكْتُوبَةً فِيهَا: لَعْنُ اللَّهِ مَنْ ذَبَحَ لِغَيْرِ اللَّهِ، وَلَعْنُ اللَّهِ مَنْ سَرَقَ مَنَارَ الْأَرْضِ، وَلَعْنُ اللَّهِ مَنْ لَعَنَ وَالِدَهُ، وَلَعْنُ اللَّهِ مَنْ آوَى مُحَدِّثًا^۱؛ «از علی رضی الله عنه پرسیده شد: آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شما (اهل بیت) را به چیزی مخصوص کرده است؟ فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ما را به چیزی که به همه‌ی مردم نگفته باشد مخصوص نکرده است، مگر چیزی که در غلاف شمشیر من است، پس صحیفه‌ای را بیرون آورد که در آن نوشته بود: خداوند لعنت کند کسی را که برای غیر خداوند ذبح کند و خداوند لعنت کند کسی را که نشانه‌های راه را بدزدد و خداوند لعنت کند کسی را که پدر و مادرش را لعنت کند و خداوند لعنت کند کسی را که بدعت‌گذاری را پناه دهد» و مانند صحیح‌های یزید بن شریک تیمی که در آن آمده است: «سَمِعْتُ عَلِيًّا يَقُولُ: مَا عِنْدَنَا كِتَابٌ نَقْرُوهُ إِلَّا كِتَابَ اللَّهِ، وَصَحِيفَةً فِي قِرَابِ سَيْفِي، فَقَرَأَهَا عَلَيْنَا، فَإِذَا فِيهَا شَيْءٌ مِنْ أَسْنَانِ الْإِبِلِ وَالْجِرَاحَاتِ، وَإِذَا فِيهَا مِنْ وَالِي قَوْمًا بَغِيْرُ إِذْنِ مَوَالِيهِ، فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ، لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ صَرْفًا وَلَا عَدْلًا، ذِمَّةُ الْمُسْلِمِينَ وَاحِدَةٌ، يَسْعَى بِهَا أَذْنَاهُمْ، فَمَنْ أَخْفَرَ مُسْلِمًا، فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ، وَلَا يَقْبَلُ مِنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ صَرْفٌ وَلَا عَدْلٌ، وَالْمَدِينَةُ حَرَامٌ مَا بَيْنَ لَابَتَيْهَا، فَمَنْ أَخْدَتَ فِيهَا حَدَثًا أَوْ آوَى مُحَدِّثًا، فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ، لَا يَقْبَلُ مِنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ صَرْفٌ وَلَا عَدْلٌ»^۲؛ «شنیدم علی می‌فرماید: نزد ما کتابی نیست که بخوانیم، مگر کتاب خداوند و صحیفه‌ای که در غلاف شمشیر من است، پس آن را بر ما خواند و در آن احکام دیه‌ی عضو و جراحات بود و اینکه هر کس بدون اذن مولایش ولاء قومی را بپذیرد، لعنت خداوند و فرشتگان و همه‌ی مردم بر او باد، خداوند در روز قیامت هیچ فدیهِ و کفاره‌ای را از او نمی‌پذیرد، امان مسلمانان یکی است، کوچک‌ترین آنان نیز آن را عطا می‌کند، پس هر کس امان مسلمانی را نادیده بگیرد، لعنت خداوند و فرشتگان و همه‌ی مردم بر او باد، در روز قیامت هیچ فدیهِ و کفاره‌ای از او پذیرفته نمی‌شود و مدینه هم‌هاش حرم است، پس هر کس در آن شرارتی کند یا شروری را پناه دهد، لعنت خداوند و فرشتگان و همه‌ی مردم بر او باد، در روز قیامت هیچ فدیهِ و کفاره‌ای از او پذیرفته نمی‌شود» و مانند صحیح‌های قیس بن عباد که در آن آمده است: «انْطَلَقْتُ أَنَا وَالْأَشْتَرُ إِلَى عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، فَقُلْنَا: هَلْ عَهْدٌ إِلَيْكَ نَبِيُّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ شَيْئًا لَمْ يَعْهَدْهُ إِلَى النَّاسِ عَامَّةً؟ قَالَ: لَا، إِلَّا مَا فِي كِتَابِي هَذَا، قَالَ: وَكِتَابٌ فِي قِرَابِ سَيْفِي، فَإِذَا فِيهِ: الْمُؤْمِنُونَ تَكَافَأُوا دِمَاؤُهُمْ، وَهُمْ يَدُّ عَلَى مَنْ سِوَاهُمْ، وَيَسْعَى بِذِمَّتِهِمْ أَذْنَاهُمْ، أَلَا لَا يُقْتَلُ مُؤْمِنٌ بِكَافِرٍ، وَلَا دُوْ عَهْدٍ فِي عَهْدِهِ، مَنْ أَخْدَتَ حَدَثًا، أَوْ آوَى مُحَدِّثًا،

۱. مسند أحمد، ج ۱، ص ۱۱۸؛ صحیح مسلم، ج ۶، ص ۸۵؛ السنن الکبری للبیهقی، ج ۹، ص ۲۵۰.
۲. مسند أحمد، ج ۱، ص ۱۲۶؛ صحیح البخاری، ج ۴، ص ۶۷؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۱۵؛ سنن أبی داود، ج ۱، ص ۴۵۲.

فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ^۱؛ «من و مالک اشتر به نزد علی رضی الله عنه رفتیم و گفتیم: آیا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم با تو چیزی را در میان گذاشت که با سایر مردم در میان نگذاشت؟ فرمود: نه، مگر چیزی که در این کتاب من است و کتابی در غلاف شمشیر او بود، پس در آن نوشته بود: خون مؤمنان با هم برابر است و آنان در برابر غیر خود یک دست هستند و دون پایه‌ترین آنان نیز می‌تواند امان دهد، مؤمن در ازای کافر کشته نمی‌شود و نه اهل ذمه در ذمه‌ی خود، هر کس بدعتی بگذارد یا بدعت‌گذاری را جای بدهد، لعنت خداوند و فرشتگان و همه‌ی مردم بر او باد» و مانند روایت طارق بن شهاب که در آن آمده است: «شَهِدْتُ عَلِيًّا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَهُوَ يَقُولُ عَلَى الْمَنْبَرِ: وَاللَّهِ مَا عِنْدَنَا كِتَابٌ نَقْرُؤُهُ عَلَيْكُمْ إِلَّا كِتَابُ اللَّهِ تَعَالَى، وَهَذِهِ الصَّحِيفَةُ، مُعَلَّقَةٌ بِسَيْفِهِ، أَخَذْتُهَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، فِيهَا فَرَايَضُ الصَّدَقَةِ»^۲؛ «شاهد بودم که علی رضی الله عنه بر منبر می‌فرماید: به خدا سوگند نزد ما کتابی نیست که بر شما بخوانیم، مگر کتاب خداوند متعال و این صحیفه - که از شمشیرش آویزان بود- آن را از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گرفته‌ام و احکام زکات در آن است» و روایت مالک اشتر که در آن آمده است: «دَخَلْتُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، فَقُلْتُ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، إِنَّا إِذَا خَرَجْنَا مِنْ عِنْدِكَ سَمِعْنَا أَحَادِيثَ تُحَدِّثُ عَنْكَ لَا نَسْمَعُهَا عِنْدَكَ، فَهَلْ عَهْدُ إِلَيْكَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ شَيْئًا سِوَى كِتَابِ اللَّهِ؟ قَالَ: لَا، إِلَّا مَا فِي هَذِهِ الصَّحِيفَةِ، ثُمَّ دَعَا جَارِيَتَهُ فَأَتَتْهُ بِالصَّحِيفَةِ، فَإِذَا فِيهَا: إِنَّ إِبْرَاهِيمَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَرَّمَ مَكَّةَ، وَحَرَّمَتِ الْمَدِينَةَ لَا يُعْصَدُ شُوكْهَا، وَلَا يُتَفَرَّ صَيْدُهَا، فَمَنْ أَخَذَتْ فِيهَا أَوْ أَوَى مُحَدِّثًا فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ، وَالْمُؤْمِنُونَ يَدُّ عَلَى مَنْ سِوَاهُمْ يَسْعَى بِذِمَّتِهِمْ أَذْنَاهُمْ، لَا يُقْتَلُ مُؤْمِنٌ بِكَافِرٍ، وَلَا ذُو عَهْدٍ فِي عَهْدِهِ»^۳؛ «به نزد علی بن ابی طالب آمدم، پس گفتم: ای امیر مؤمنان! ما وقتی از نزد تو بیرون می‌رویم احادیثی از تو می‌شنویم که وقتی نزد تو هستیم نمی‌شنویم، پس آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چیزی جز کتاب خدا را با تو در میان گذاشته است؟ فرمود: نه، مگر چیزی که در این صحیفه است، سپس کنیز خود را صدا زد، پس صحیفه را آورد و در آن نوشته بود: ابراهیم صلی الله علیه و سلم مکه را حرام کرد و من مدینه را حرام کردم، درخت آن شکسته نمی‌شود و صید آن آزرده نمی‌شود، پس هر کس در آن بدعتی گذارد یا بدعت‌گذاری را جای دهد، لعنت خداوند و فرشتگان و همه‌ی مردم بر او باد و مؤمنان در برابر غیر خود یک دست هستند و دون پایه‌ترین آنان نیز می‌تواند امان دهد، مؤمن در ازای کافر کشته نمی‌شود و نه اهل ذمه در ذمه‌ی خود»، ولی انصاف آن است که این روایات، وجود کتابی برای علی علیه السلام را نفی نمی‌کنند، بلکه تأیید می‌کنند؛ خصوصاً با توجه به اینکه بعید است محتوای آن،

۱. مسند أحمد، ج ۱، ص ۱۲۲؛ سنن أبي داود، ج ۲، ص ۳۷۴؛ مسند أبي يعلى، ج ۱، ص ۴۶۲

۲. مسند أحمد، ج ۱، ص ۱۰۰؛ أمالي المحاملي، ص ۱۵۵

۳. المعجم الأوسط للطبراني، ج ۵، ص ۲۶۶ و ۲۶۷



منحصر به احکام زکات و دیات و عبارات مذکور بوده باشد؛ چنانکه عینی به این نکته اشاره کرده و گفته است: «قِيلَ: كَانَ فِيهَا مِنَ الْأَحْكَامِ غَيْرُ مَا ذُكِرَ هُنَا، وَلَعَلَّهُ لَمْ يَذْكُرْ جُمْلَةً مَا فِيهَا، إِذِ التَّفْصِيلُ لَمْ يَكُنْ مَقْصُوداً حِينَئِذٍ، أَوْ ذَكَرَهُ وَلَمْ يَحْفَظِ الرَّاوِي»^۱؛ «گفته شده که در این صحیفه احکامی جز آنچه ذکر شده هم وجود داشته و چه بسا آن حضرت همه‌ی چیزی که در آن بوده را ذکر نکرده است؛ چراکه تفصیل در آن وقت مقصود نبوده یا شاید هم ذکر کرده و راوی به خاطر نسپرده است» و از ابن منیر نقل شده است: «فِيهِ دَلِيلٌ عَلَى أَنَّهُ كَانَ عِنْدَهُ أَشْيَاءٌ مَكْتُوبَةٌ مِنَ الْفَقْهِ الْمُسْتَنْبَطِ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَهُوَ الْمُرَادُ بِقَوْلِهِ <أَوْ فَهْمٌ أُعْطِيَهُ رَجُلٌ>»^۲؛ «این روایات دلیل بر آن است که نزد او چیزهای مکتوبی از فقه برگرفته از کتاب خداوند وجود داشته و این مراد او از فهمی از قرآن است که به کسی داده می‌شود» و ابن حجر گفته است: «مُرَادُ عَلِيِّ أَنَّ الَّذِي عِنْدَهُ زَائِدًا عَلَى الْقُرْآنِ مِمَّا كَتَبَ عَنْهُ الصَّحِيفَةُ الْمَذْكُورَةُ وَمَا اسْتَنْبَطَ مِنَ الْقُرْآنِ كَأَنَّهُ كَانَ يَكْتُبُ مَا يَقَعُ لَهُ مِنْ ذَلِكَ لِئَلَّا يَنْسَاهُ»^۳؛ «مراد علی این بوده که نزد او علاوه بر قرآن، صحیفه‌ی مذکور که از پیامبر نوشته و چیزهایی که از قرآن استنباط کرده وجود داشته است؛ چنانکه گویا او آن‌ها را می‌نوشته است تا فراموششان نکنند». آری، از این روایات دانسته می‌شود که کتاب علی علیه السلام حاوی چیزی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از دیگران پنهان کرده باشد، نبوده است و این حقیقت دارد؛ زیرا برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم جایز نبوده که چیزی از حق یا چیزی از آنچه خداوند بر او نازل کرده یا چیزی از آنچه برای مردم ضرورت یا فایده داشته است را از آنان پنهان کند؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«قُلْتُ لِلْمَنْصُورِ: هَلْ خَصَّ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ بِعِلْمِ كَتَمِهِ عَنِ النَّاسِ؟ قَالَ: لَا، مَنْ قَالَ هَذَا فَقَدْ كَذَبَ، إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَمَرَ نَبِيَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: «فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ»^۴ وَقَالَ: «بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ»^۵، ثُمَّ قَالَ: لَعَلَّكَ تُرِيدُ كِتَابَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ؟ قُلْتُ: نَعَمْ، قَالَ: صَدَقَ فَإِنَّهُ حَقٌّ، قُلْتُ: أَلَمْ تَقُلْ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لَمْ يَخْصْ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ بِعِلْمِ كَتَمِهِ عَنِ النَّاسِ؟ قَالَ: إِنَّهُ صَدَقَ وَبَلَغَ، وَلَكِنْ لَمْ يَكْتُبْهُ كُلَّهُ إِلَّا عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قُلْتُ: فَلِمَ لَمْ يُخْرِجْهُ لِلنَّاسِ بَعْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ؟ قَالَ: نَسِيَ النَّاسُ وَاخْتَلَفُوا، فَخَافَ أَنْ يَكْذَّبُوهُ، فَأَوْرَثَ كِتَابَتَهُ بَنِيهِ»^۶؛ «به منصور گفتم: آیا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم علی علیه السلام را

۱. عمدة القاري للعيني، ج ۲، ص ۱۶۰

۲. فتح الباري لابن حجر، ج ۱، ص ۱۸۲؛ عمدة القاري للعيني، ج ۲، ص ۱۶۰

۳. فتح الباري لابن حجر، ج ۱۲، ص ۲۱۸

۴. الحجر / ۹۴

۵. المائدة / ۶۷

۶. گفتار ۱۷۶، فقره ۱

به علمی که از مردم پنهان کرده باشد، مخصوص کرد؟ فرمود: نه، هر کس این را بگوید دروغ گفته است. هرآینه خداوند متعال به پیامبرش صلی الله علیه و آله و سلم امر کرد، پس فرمود: <چیزی که به آن امر شده‌ای را آشکار کن> و فرمود: <چیزی که از پروردگارت بر تو نازل شده است را ابلاغ کن و اگر نکنی رسالت او را نرسانده‌ای و خداوند تو را از مردم حفظ می‌کند، هرآینه خداوند گروه کافران را هدایت نمی‌کند>، سپس فرمود: شاید مقصودت کتاب علی علیه السلام است؟ گفتیم: بله، فرمود: آن را تصدیق کن؛ چراکه حق است، گفتیم: آیا نفرمودی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم علی علیه السلام را به علمی که از مردم پنهان کرده باشد، مخصوص نکرد؟! فرمود: آشکار کرد و ابلاغ نمود، ولی کسی جز علی علیه السلام همه‌ی آن را ننوشت، گفتیم: پس چرا پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آن را برای مردم بیرون نیاورد؟ فرمود: مردم فراموش کردند و اختلاف نمودند، پس ترسید که او را تکذیب کنند، پس کتابش را برای پسرانش به میراث گذاشت».

آری، ممکن است پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چیزهایی که مربوط به اهل بیتش بوده و ربطی به سایر مردم نداشته است را تنها با علی علیه السلام در میان گذاشته باشد؛ چراکه این کاری عادی بوده و اشکالی نداشته است؛ چنانکه خداوند از وجود گفتگوی خصوصی میان صحابه و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خبر داده و فرموده است: **﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةٌ﴾**^۱؛ «ای کسانی که ایمان آوردید! هرگاه خواستید با پیامبر گفتگوی خصوصی داشته باشید، پیش از گفتگوی خصوصی صدقه‌ای بدهید» و جالب است که روایت شده، تنها کسی که به این سخن خداوند عمل کرده، علی علیه السلام بوده است^۲. علاوه بر این، ممکن است پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چیزهایی که در طول ۲۳ سال برای مردم تبیین فرموده است را برای علی علیه السلام یادآوری فرموده باشد تا همه را بنویسد و به پسران خود منتقل کند؛ زیرا این کار به معنای پنهان کردن چیزی از مردم نبوده و اشکالی نداشته است؛ خصوصاً با توجه به اینکه مردم -بنا بر حدیث متواتر ثقلین- مکلف به سؤال و تبعیت از علی علیه السلام و پسران او بوده‌اند؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«قُلْتُ لِلْمَنْصُورِ: هَلْ عَلَّمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عَلِيًّا مَا لَمْ يُعَلِّمْ غَيْرَهُ؟ قَالَ: لَا، وَلَكِنْ جَمَعَ لَهُ مَا فَرَّقَ عَلَى غَيْرِهِ، فَصَارُوا يَحْتَاجُونَ إِلَيْهِ وَهُوَ لَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِمْ»^۳؛

۱. المجادلة/ ۱۲

۲. بنگرید به: مصنف ابن ابی شیبہ، ج ۷، ص ۵۰۵؛ جامع البیان عن تأویل آی القرآن للطبري، ج ۲۸، ص ۲۷؛ المستدرک علی الصحیحین للحاکم، ج ۲، ص ۴۸۲.

۳. گفتار ۱۷۶، فقره ۲

«به منصور گفتم: آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به علی چیزی را تعلیم داد که به دیگران تعلیم نداد؟ فرمود: نه، ولی برای او جمع کرد چیزی را که میان دیگران تقسیم نمود، پس این شد که به او محتاج شدند، در حالی که او به آنان احتیاج نداشت».



پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصوب‌هاشمی خراسانی
مجلس خبرگان رهبری



www.alkhorasani.com

پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصوب‌هاشمی خراسانی حفظه الله تعالى



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.